

بدعت بودن مراسم شب نیمه شعبان
از عکرمه - رحمه الله - روایت شده که در مورد تفسیر این آیه می گوید:

﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبْرَكَةٍ ۚ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ﴿۳۰﴾ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴾ (دخان: ۳-۴)

«ما قرآن را در شب پر خیر و برکتی فرستادیم، ما همواره بیم دهنده بوده ایم، در این شب مبارک، هر گونه کار حکیمانه ای بیان و مقرر گشته است.»

عکرمه می گوید: این شب، شب نیمه شعبان است، کارهای این سال در آن قطعی می شود، زنده ها از مرده ها مشخص می شوند، و کسی که زایر خانه خدا است نوشته می شود نه به آن اضافه و نه از آن کم می شود.

ابن کثیر - رحمه الله - در مورد تفسیر این آیه می گوید:

﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبْرَكَةٍ ۚ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ﴿۳۰﴾ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴾ (دخان: ۳-۴)

«که ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم؛ ما همواره انداز کننده بوده ایم! در آن شب هر امری بر اساس حکمت (الهی) تدبیر و جدا می گردد.»

خداوند خبر می دهد که این قرآن عظیم در شبی مبارک که لیلۃ القدر است نازل کرده است.

همانطور که می فرماید:

﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴾ (قدر: ۱)

«ما این قرآن را در شب قدر نازل کردیم.»

که آن شب هم در ماه رمضان قرار دارد. همچنان که می فرماید:

﴿ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ ﴾ (بقره: ۱۸۵)

«ماه رضائی که قرآن در آن نازل شده است.»

در این مورد احادیث زیادی را در سوره بقره آورده‌ایم که نیاز به تکرار نیست.^۱ هر کس بگوید این شب، شب نیمه شعبان است همانطور که از عکرمه روایت شده است از مکان و موضع اصلی دور شده است، چون نص صریح قرآن ماه رمضان را بیان می‌کند.^۲

علماء در مورد این آیه:

﴿ فِي لَيْلَةِ مُبْرَكَةٍ ﴾ (دخان: ۳)

دو نظر دارند:

۱- منظور از لیلۃ مبارکۃ شب قدر است که جمهور علما بر این رأی و نظر هستند.

۲- شب نیمه شعبان است، که عکرمه آن را بیان کرده است.

قول راجح و منتخب - والله اعلم - همان است که جمهور آن را بیان کرده‌اند که آن شب، شب قدر می‌باشد نه نیمه شعبان، چون خداوند سبحان به صورت اجمال در فرموده خود:

﴿ فِي لَيْلَةِ مُبْرَكَةٍ ﴾ (دخان: ۳)

آورده است و در سوره بقره به طور صریح آن را بیان می‌کند:

﴿ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ ﴾ (بقره: ۱۸۵)

و یا می‌فرماید:

﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴾ (قدر: ۱)

۱- به تفسیر ابن کثیر ۱/ ۲۱۵، ۲۱۶ مراجعه شود.

۲- به تفسیر ابن کثیر، (۴/ ۵۷۰) مراجعه شود.

این ادعا که منظور نیمه شعبان می‌باشد هیچ شکی نیست که باطل و بی‌اساس است، چون با نص صریح قرآن مخالفت دارد و هر چیزی که مخالف حق باشد باطل است، و احادیثی که بعضی آن را روایت می‌کنند که نیمه شعبان را تأیید می‌کنند با صریح قرآن مخالفت دارند پس اصل و اساسی ندارند و صحیح نیستند، و سند هیچ کدام از این احادیث صحیح نمی‌باشد همچنان که ابن عربی و بسیاری از محققین با قاطعیت آن را بیان می‌کنند، آنچه جای تعجب و شگفتی است این است که مسلمان بدون دلیل از قرآن و سنت صحیح با نص صریح قرآن به مخالفت پردازد.^۱

شیخ الإسلام ابن تیمیه درباره اوقات و زمان‌هایی که بعضی معتقد هستند فضیلت‌هایی دارند و توابع آن که منجر به منکر می‌شوند و بالآخره از آنها نهی شده است می‌فرماید: از جمله شب نیمه شعبان، احادیث و روایات زیادی در مورد فضل و بزرگی آن وارد شده است، بعضی از سلف صالح هم آن شب را به اقامه نماز تخصیص می‌دادند، و احادیث صحیحی در مورد روزه ماه شعبان آمده است.

بعضی از علمای سلف از اهل مدینه و غیره فضل و بزرگی این شب را انکار کرده و قبول ندارند، و احادیث وارده را در مورد آن قبول ندارند، مانند حدیث «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِر لَأَكْثَرِ مَنْ عَدَدَ غَنَمِ كَلْبٍ» خداوند به اندازه موهای گوسفندان قبیله کلب گناهان مردم را می‌بخشاید. و گفته است هیچ فرقی میان این شب و شب‌های دیگر وجود ندارد. اما آنچه اکثر اهل علم بر آن اتفاق نظر دارند و بیشتر اصحاب ما هم همین نظر را دارند این است که این شب بر شب‌های دیگر فضیلت دارد نص امام احمد هم بر فضیلت آن دلالت دارد، و احادیث زیادی هم در این مورد روایت شده‌اند، و بعضی از فضایل آن

۱- به کتاب أضواءالبیان، (۳۱۹/۷) مراجعه شود.

در مسندها و سنن^۱ وارد شده است، با اینکه در مورد آن چیزهای دیگر هم بیان شده است.^۲

حافظ ابن رجب می‌گوید: اهل شام مانند خالد بن معدان، مکحول، لقمان بن عامر و غیر آنها این شب را تعظیم می‌کردند و برای عبادت در این شب مجاهدت و کوشش می‌کردند و مردم هم از آنها پیروی می‌کردند، و گفته می‌شود در این تعظیم به آثار اسرائیلی و نادرست دست یافته‌اند، آن زمان که آنها در این مناطق به این کارها شهرت پیدا کردند مردم دچار اختلاف شدند، بعضی موافق آنها بودند و آن را قبول می‌کردند مثل طایفه عباد اهل بصره و غیره، و اکثر علمای اهل حجاز از جمله عطاء، ابن ابی‌ملیکه، اصحاب مالک و غیره نیز آن را قبول ندارند و می‌گویند همه اینها بدعت هستند، و عبدالرحمن بن زید بن اسلم این رأی را از فقهای اهل مدینه^۳ نقل می‌کند.

علمای اهل شام در چگونگی احیاء و برپا داشتن این شب اختلاف نظر دارند و دو نظریه میان آنها مطرح است:

۱- بعضی معتقد هستند احیاء و زنده کردن آن به صورت جماعت در مسجد مستحب است، خالد بن معدان، لقمان بن عامر، و غیر آنها در این شب خوب‌ترین لباس

۱- در مورد فضل شب نیمه شعبان احادیث و آثاری وارد شده است ولی خالی از اشکال نیستند. به العلل المتناهیة، (۶۷/۲-۷۲) و مجمع الزوائد، (۶۵/۸) و سلسله الأحادیث الصحیحه آلبانی، حدیث (۱۱۴۴) مراجعه شود.

۲- به کتاب: اقتضاء الصراط المستقیم، (۳/۶۲۶-۶۲۷) و مجموع الفتاوی ابن تیمیه ۲۳/۱۲۳ و الإختیارات الفقهیه، ص (۶۵) مراجعه شود.

۳- ابن وضاح در کتاب البدع و النهی عنها، ص (۴۶) آن را روایت می‌کند. ابن ابی‌زید که از علمای بزرگ مالکی است می‌گوید: فقها این کار را انجام نداده‌اند.

را می پوشیدند خود را معطر و به موهایشان روغن می زدند و در این شب در مسجد به عبادت می پرداختند، اسحاق بن راهویه در این کار با آنها همراهی می کرد، و در مورد قیام و عبادت این شب در مساجد می گفت: این کار بدعت نیست. حرب کرمانی در المسائل این سخن را از او نقل می کند.

۲- این قول، سخن امام اوزاعی پیشوا و فقیهه و دانشمند اهل شام می باشد، که صحیح ترین قول و نظریه می باشد، ان شاء الله.^۱

خلاصه: جمهور علما اتفاق نظر دارند بر اینکه جمع شدن در مساجد در این شب یعنی نیمه شعبان برای نماز و دعا مکروه است، زنده کردن و مراسم گرفتن برای این شب در مساجد به صورت دائمی هر سال یا بعضی از اوقات بدعتی است که در دین پیدا شده است.

علما و دانشمندان در مورد نماز انسان در این شب در خانه خود به تنهایی یا به صورت جماعت دو نظریه دارند:

۱- این نماز بدعت است، که نظر و قول اکثر علمای حجاز می باشد، از جمله عطاء ابن ابی ملیکه، و از فقهای اهل مدینه نیز نقل شده است، که قول اصحاب مالک و غیر آنها می باشد.^۲

۲- اگر انسان این نماز را در خانه خود به تنهایی بخواند مکروه نیست، یا با جماعت خصوصی در شب نیمه شعبان آن را ادا کند، اشکالی ندارد.

که این قول و نظر امام اوزاعی، و اختیار حافظ ابن رجب و همچنین شیخ الإسلام ابن تیمیه می باشد.

۱- به لطائف المعارف، ص (۱۴۴) مراجعه شود.

۲- به لطائف المعارف، ص (۱۴۴) مراجعه شود.

و آنچه من آن را ترجیح می‌دهم - والله اعلم - قول اول و نظریه اول می‌باشد، که این نماز بدعت است.

و جواب قول دوم که می‌گویند مکروه نیست به چند شکل داده می‌شود، از جمله:
 ۱- هیچ دلیلی برای فضل و بزرگی این شب وجود ندارد، و - طبق اطلاع محدود من - از پیامبر ﷺ ثابت نشده و نیامده است که ایشان این شب را احیاء و زنده نگه داشته باشند، و هیچ یک از صحابه رضی الله عنهم و تابعین - رحمهم الله - این کار را نکرده‌اند، مگر آن سه نفری که مشهور است در مورد فضیلت و احیای آن سخن گفته‌اند که ابن رجب آنها را نام می‌برد، و اگر آن را انجام داده بودند با عمل خود به فضل و بزرگی آن شهادت می‌دادند، اما این کاری بود که بعد از آنها پیدا شد، کاری است بدعت و در کتاب (قرآن) و سنت صحیح و اجماع اصل و اساسی ندارد.

ابوشامه می‌گوید: حافظ ابوالخطاب بن دحیه در کتابی که در مورد ماه شعبان نوشته است آورده: علمای جرح و تعدیل می‌گویند: در مورد فضیلت شب نیمه شعبان حدیث صحیحی وجود ندارد.^۱

ابن رجب بیان می‌کند: قیام و عبادت شب نیمه شعبان در مورد آن هیچ چیزی از پیامبر ﷺ نیامده و ثابت نشده است، از صحابه هم ثابت نشده است، ولی از بعضی از تابعین از فقهای اهل شام چیزهایی در مورد آن ثابت شده است.^۲

شیخ عبدالعزیز بن باز می‌گوید: در مورد فضل شب نیمه شعبان احادیث ضعیفی وارد شده‌اند که نمی‌توان به آنها اعتماد کرد، و اما آنچه در مورد فضل نماز خواندن در

۱- به الباعث، ص (۳۳) مراجعه شود.

۲- به لطائف المعارف، ص (۱۴۵) مراجعه شود.

آن وارد شده است همه موضوع و ساختگی هستند همچنان که بسیاری از اهل علم آن را بیان کرده‌اند.^۱

۲- حافظ ابن رجب که نظر بعضی از تابعین را در مورد فضل این شب^۲ و جمع شدن در مساجد را بیان می‌کند، اظهار می‌دارد که استدلال آنها برای این کار بعضی از آثار و روایت‌های بنی اسرائیلی می‌باشد، و چه وقت آثار و روایات بنی اسرائیلی می‌تواند دلیل و حجت بشوند؟! و بیان می‌کند که مردم فضل و تعظیم این شب را گرفته و از آنها تقلید می‌نمایند، چه زمانی عمل تابعی حجت و دلیل است!؟

۳- علمای معاصر کسانی که معتقد به فضل و بزرگی شب نیمه شعبان بودند نظر آن‌ها را رد کرده‌اند، اگر چنانچه تفضیل دهندگان این شب دلیلی برای رأی خود داشتند در مقابل آنها ارائه می‌دادند، اما هیچ دلیلی از طرف آنها ارائه نشده است، به خصوص یکی از کسانی که رأی آنها را رد می‌کند عطاء بن ابی‌ریاح می‌باشد، کسی که در زمان خود مفتی بود^۳، آن کسی که ابن عمر - رضی الله عنهما - در مورد او می‌گوید: سؤال‌ها را برای من جمع می‌کنید و از من می‌پرسید در حالی که ابن ابی‌ریاح در میان شما وجود دارد؟

۴- قول پیامبر ﷺ که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لِيَطَّلِعَ فِي لَيْلَةِ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ، فَيَغْفِرَ لْجَمِيعِ خَلْقِهِ، إِلَّا لِمَشْرُكٍ أَوْ مُشَاحِنٍ»^۴.

۱- به التحذير من البدع، ص (۱۱) مراجعه شود.

۲- به طبقات الفقهاء شیرازی، ص (۱۱) مراجعه شود.

۳- به طبقات الفقهاء شیرازی، ص ۱۱ مراجعه شود.

۴- سنن ابن ماجه، كتاب الصلاة، حديث شماره: ۱۳۹۰، و بصیری در زوائد ابن ماجه ۲ / ۱۰ گفته

است: اسناد این حدیث ضعیف است

در این حدیث دلیلی بر فضل شب نیمه شعبان بر شب‌های دیگر وجود ندارد، چون در صحیحین به صورت صحیح از پیامبر ﷺ ثابت و وارد شده است که فرموده است: «ینزل ربنا تبارک و تعالی کل لیلۃ إلى سماء الدنيا حين یبقی ثلث اللیل الآخر یقول: لکن یدعونی فأستجیب له، من یسألنی فأعطیه، من یتغفرنی فأغفر له»^۱.

خداوند تبارک و تعالی هر شب هنگامی که یک سوم آخر آن باقی ماند به آسمان دنیا می‌آید و می‌گوید: چه کسی دعا می‌کند تا دعایش را مستجاب کنم؟ چه کسی چیزی می‌خواهد تا به او بدهم، چه کسی طلب استغفار و بخشش گناهان را می‌کند تا گناهانش را ببخشم.

آماده بودن خداوند برای بخشش گناهان مردم متوقف بر شبی معین از سال یا شب‌هایی محدود نیست.

۵- کسی که این قول را انتخاب می‌کند که انسان به صورت فردی این نماز را برای خود بخواند مکروه نیست، این انتخابی بدون دلیل می‌باشد و هیچ دلیلی آن را تقویت نمی‌کند، اگر دلیلی موجود بود بیان می‌شد، اما کسی که آن را رد می‌کند به فرموده پیامبر ﷺ استدلال می‌کند که به صورت کلی می‌گوید: «من عمل عملاً لیس علیه أمرنا فهو رد» و همچنین به عمومیت احادیث و روایت‌های دیگر که بر نهی از بدعت و دوری از آنها دلالت دارند استدلال می‌کنند.

شیخ ابن باز رحمه الله گفته است: اما این که اوزاعی قیام این شب را مستحب دانسته و حافظ ابن رجب نیز آن را اختیار نموده ضعیف می‌باشد؛ زیرا هر قولی که با دلیل

۱- رواه البخاری فی صحیحہ المطبوع مع فتح الباری، (۲۹/۳)، حدیث شماره (۱۱۴۵) و مسلم، کتاب

صلاة المسافرین، حدیث (۷۵۸).

شرعی ثابت نشود برای مسلمان ثابت نیست آن را در دین ایجاد نماید، به تنهایی باشد یا گروهی، مخفیانه یا علنی، به دلیل این فرموده ی رسول گرامی اسلام ﷺ: «من عمل عملاً لیس علیه أمرنا فهو رد» و به دلیل احادیث و روایات دیگر که در این مورد آمده اند.^۱

دوباره بعد از اینکه بعضی از آیات و احادیث و سخنان اهل علم را در مورد شب نیمه شعبان بیان می کند می گوید:

آنچه از آیات و احادیث و سخنان اهل علم گذشت برای طالب حق روشن می کند که گرفتن مراسم برای نیمه شعبان و برپایی نماز و غیره در آن شب، و اختصاص روز آن به روزه گرفتن نزد اکثر علما و اهل علم بدعتی منکر می باشد، و در شریعت اسلام جایی ندارد، بلکه از چیزهایی است که در دین اسلام بعد از عصر صحابه پیدا شده است، برای کسی که در این مورد و سایر موارد دیگر جویای حق باشد این آیه کافی است که خداوند می فرماید:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾ (مائده: ۳)

و سایر آیات در همین مورد و همین معنی، و یا قول پیامبر ﷺ: (من أحدث فی أمرنا هذا ما لیس منه فهو رد) و احادیث دیگر در همین مورد، در صحیح مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ می فرماید: «لا تختصوا لیلة الجمعة بقیام من

۱- به کتاب التحذیر من البدع، ص (۱۳) مراجعه شود.

بین الیالی، ولا تختصوا يوم الجمعة بصیام من بین الأيام، إلا أن تكون فی صوم یصومه أحدکم»^۱.

«شب جمعه را از میان شب‌های دیگر به عبادت اختصاص ندهید، و روز جمعه را از میان روزهای دیگر به روزه گرفتن اختصاص ندهید، مگر اینکه کسی بر او واجب باشد این روز را روزه بگیرد».

اگر واقعاً اختصاص شبی از شب‌ها به عبادتی جایز و صحیح بود شب جمعه بر شب‌های دیگر برتری داشت، چون بر طبق احادیث خوب‌ترین روزی است که خورشید در آن طلوع می‌نماید.^۲

زمانی که پیامبر ﷺ از اختصاص این شب برای عبادت مردم را می‌ترساند، این ترساندن دلیل است بر اینکه شب‌های دیگر به طریق اولی جایز نیست که به عبادت اختصاص داده شوند، مگر اینکه دلیلی صحیح و درست بر اختصاص آن دلالت داشته باشد، هنگامی که لیلۃ القدر و شب‌های رمضان عبادت و تلاش در آنها توصیه شده و بیان شده است، پیامبر ﷺ مردم را برای آن تشویق کرده است و آن را شخصاً انجام داده است، همانطور که در صحیحین آمده است: «من قام رمضان ایاناً واحساباً

۱- رواه الإمام احمد فی مسنده، (۴۴۴/۶) و رواه مسلم فی صحیحه، کتاب الصیام، حدیث شماره (۱۱۴۴-۱۴۸)

۲- قال ﷺ: (خیر یوم طلعت علیه الشمس یوم الجمعة...) و رواه امام احمد فی مسنده ۵۱۲/۲، و مسلم فی صحیحه، حدیث شماره: (۵۸۴) و أبو داود فی سننه (۶۳۴/۱)، کتاب الصلاة. حدیث رقم (۱۰۴۶). والترمذی فی سننه (۳۰۵/۱)، أبواب الجمعة. وقال: حدیث حسن صحیح. والنسائی فی سننه (۸۹/۳، ۹۰)، کتاب الجمعة باب رقم (۴).

غفرالله له ما تقدم من ذنبه ومن قام ليلة القدر ايماناً واحتساباً غفرالله له ما تقدم من ذنبه»^۱.

«هر کسی از روی ایمان و چشم‌داشت به پاداش آن ماه رمضان به عبادت پردازد خداوند گناهان گذشته او را می‌بخشد و هر کسی از روی ایمان و چشم‌داشت به پاداش آن شب قدر به عبادت و راز و نیاز مشغول شود خداوند گناهان او را مورد عفو قرار می‌دهد».

اگر اختصاص شب نیمه شعبان یا شب اولین جمعه ماه رجب یا شب اسراء و معراج آن حضرت به مراسم و جشن گرفتن یا چیزی از عبادت، شرعی و صحیح بود پیامبر ﷺ امت خود را آگاه می‌کرد و آن را از آنها کتمان نمی‌نمود؛ چون امت ایشان خوب‌ترین مردم و بعد از انبیاء - علیهم الصلاه و السلام - نصیحت‌پذیرترین مردم بودند، و خداوند از اصحاب پیامبر ﷺ راضی است و آنها را نیز راضی کرده است، و از سخنان علما فهمیده شد که از پیامبر ﷺ و از صحابه رضی الله عنهم در مورد فضیلت شب اولین جمعه ماه رجب و نیمه شعبان هیچ چیزی ثابت نشده و به ثبوت نرسیده است. پس دانسته شد تشکیل مراسم برای آنها بدعت است و در دین پیدا شده‌اند، و همچنین اختصاص آنها به عبادت بدعت منکر است^۲ - والله اعلم - و صلی الله وسلم علی عبده ورسوله نبینا محمد وآله وصحبه أجمعین.

۱- رواه البخاری المطبوع مع فتح الباری، (۹۱/۱-۹۲)، حدیث (۳۵-۳۷) و مسلم، حدیث (۷۵۹-۷۶۰)

۲- به کتاب التحذیر من البدع، ص (۱۵-۱۶) مراجعه شود.